

مسئولیت مسلمانان بعد از شکست آمریکا در افغانستان

Responsibilities of Muslims after American defeat in Afghanistan

چکیده

افغانستان بعد از دو دهه اشغال و جنگ بسیار تباہ کننده به همت مردم افغانستان توانست آمریکا سفاک را شکست داده و از افغانستان بیرون نماید. این پیروزی یک فرصت بزرگ برای همه امت و درس بزرگ برای دشمنان گردید. جهاد در راه الله سبحانه و تعالی همین گونه خود را ظاهر ساخته و ظلم را از صحنه بیرون میکند. بناً طبیعی است که جهان کفر این شکست و ننگ بزرگ را تحمل نمی توانند و شروع به منافقت و تفرقه میان مردم نموده و برای نفوذ دوباره راه سازی میکنند. در چنین شرایطی هر جوان مسلمان مسئولیت دارد تا زندگی خود را مطابق رضای الله سبحانه و تعالی تنظیم نموده و به صورت مستمر و جدی در میدان دعوت و جهاد برای حفظ و گسترش نظام اسلامی تلاش نماید.

کلید واژه ها: فلسفه جهاد، سیاست اسلامی، جوان مسلمان، تفکر، شکست

مقدمه

الحمد لله ان جاء الحق و صلاه و سلام على عباد الذين اصطفى و صلى على محمد و على آله و اصحابه اجمعين.

این نبشته دقیقاً زمانی آغاز گردید که رسانه های مفسد مانند BBC فارسی و گروه های منافق خورد و بزرگ شروع به نشر اعلامیه ها و رساله های برای ایجاد نفاق و بی اعتمادی میان افغان کردند. دقیقاً متصل به فتح کابل و ورود نیروهای امارت اسلامی افغانستان رسانه های شروع به تحلیل های مملو از فساد نموده و سپس گروه های خورد و بزرگ در خارج از کشور شروع به نشر مواردی جهت ایجاد اختلال و بی نظمی در جامعه نمودند، بنا لازم دیده شد تا در مقابل موج فتنه های موجود روشنی را ایجاد کرد تا بتوانیم مردم را به مسیر های درست برای آبادی این سرزمین رنج دیده سوق بدهیم.

من در زمانی این رساله را برای شما هدیه میدهم که یکی از جوانان کامیاب و پر تلاش افغانستان خود را میدانم، نظر به سن و شرایط که من در آن بزرگ شده ام واقعاً باید گفت که موفق هستم. دست آورد های من از لحاظ دعوتی، اقتصادی، تحصیلی، اجتماعی و خانوادگی واقعاً بیشتر از آن است که باید باشم.

در حقیقت تمام دنیا از زندگی یک فرد که در جزیره های دور دنیا زندگی میکند تا منطقه ها و سرزمین ها همه و همه پر از داستان ها و ماجرا های خورد و بزرگ است، اما در این میان سرزمین افغانستان از هزاران سال الی اکنون 4/6/1403 داستان های عجیب و راز های بیشمار دارد. مردم ما در استفاده درست از این داستان ها خود را زیاد فریب میدهند مثلاً بعد از شکست یک حکومت و وفات یک فرد تا یک قرن آینده بالایی ریشه های نام پدر کلان او باهم دعوا میداشته باشند و افراد که تازه به قدرت میرسند از افراد روی جاده تا بزرگان شهر همه باهم مجالس تحلیل و گمان تشکیل میدهند که تا نظریات و فرقه های خود را غالب و عالم نشان بدهند و افراد جدید را ضعیف و ناکام نشان بدهند.

این رساله با توجه به همین موارد نوشته گردیده است تا جوانان این سرزمین بدانند که واقعاً باید چی کرد و اولویت های زندگی اجتماعی و دینی شان چیست؟ در ابتداء این رساله مفاهیم اساسی که در چند دهه گذشته به اثر تلاش های اشغالگران فکری و نظامی در جامعه ما رنگ دیگری به خود گرفته است و اصول اساسی برای یک جامعه اسلامی و اندیشه های سیاسی اسلامی مورد ضرورت بحث شده و سپس به ذکر موارد بزرگ و عینی از اشغال پرداخته میشود، سپس من برای شما در نقش یک جوان نصایح خواهم داشت تا شما بتوانید برای خود و کشور ما نقش مؤثر و واقعی داشته باشید.

در نهایت من از همه شما عزیزان قبل از قبل معذرت میخواهم، چون ممکن این نبشته ها خلاء های زیادی داشته باشد اما به آن نیتی که نبشته گردیده است خیر و دعوت میباشد. همچنان قابل ذکر است که از استاد همکار خود که از جمله مجاهدین و دوستان دعوتی من است بابت همکاری های همیشگی شان خصوصاً در نوشتن این موضوع سپاس گذاری نمود.

الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا 76

ترجمه: کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه یزدان می‌جنگند، و کسانی که کفرپیشه‌اند، در راه شیطان می‌جنگند. پس با یاران شیطان بجنگید. بی‌گمان نیرنگ شیطان همیشه ضعیف بوده است.

جهاد: ریشه‌های کلمه جهاد از این سه حرف گرفته شده است، جَهَدَ (ج ه د) که به معنی به کار انداختن تمام توانف کوشش و مبارزه میباشد که به معنی به کار انداختن توان برای رسیدن به یک هدف هم استفاده میشود. (اعلاء کلمه الله ص 3، گولن). جهاد در لغت از ریشه (جهد و جهد) به معنی مشقت و زحمت و همچنین به معنی توان و طاقت است (راغب اصفهانی 1363، جهاد فرهنگی SID). جهاد به معنی هرگونه تلاش در راه خدا و تلاش برای انجام نیکی‌ها است (مکارم شیرازی 1372).

حکم جهاد: جهاد به گفته استاد فتح الله گولن از اهداف خلقت انسان بوده که بدون آن زندگی بی معنی میگردد. دقیق جهاد در برابر اشغال، زور، شرک، اهل کتاب که جزیه نمی پردازد و ظالمان یک فریضه شرعی بالای همه مسلمانان است. موضوع حکم جهاد در مراننامه حماس چنین آمده است: (روزی که اشغال گران بخشی از اراضی مسلمانان را غصب مینمایند جهاد فریضه عینی همه مسلمانان است و در مقابل غصب سرزمین فلسطین از سوی یهودیان پرچم جهاد باید برافراشته شود و روح جهاد در امت برای شتافتن به مبارزه با دشمنان و پیوستن به صفوف مجاهدان دمیده شود. (النواتی 2002 : 75)

دقیقاً موضوع افغانستان نیز چنین بود دولت و منابع افغانستان توسط آمریکای کثیف به زور مورد اشغال قرار گرفته بود و به اساس همان رای برادران حماس ما، در برابر اشغال غیر جهاد و مبارزه هیچ تفاهم دیگری منطقی و علمی نیست. بناً جهاد در برابر آمریکا در افغانستان همچنان فریضه عینی بوده و است.¹

انواع جهاد: در رابطه به انواع جهاد سخنان و نیشته‌های مشهور و زیادی است. در این بحث خیلی‌ها به افراط و خیلی‌ها به تفریط رفته‌اند، گروهی فقط منتظر معجزه‌های بزرگ و یا قدرت است تا اینکه به جهاد بپردازد و گروهی تمام جهاد را به ذکر و سخن رانی‌های خود خلاصه میکند و گروهی هم به جز قتل و کشتار چیز دیگری را جهاد نام نمی‌دهند. اما ما در میان همه قرار داریم ما به همه انواع جهاد ارزش میدهمیم هم به جهاد با نفس خود تلاش میکنیم و هم هر روز با آرزوی شهادت در میدان نبرد با ظالمان از خانه بیرون میشویم.

معمولاً علماء کرام جهاد را به دو بخش جهاد اکبر و اصغر تقسیم میکنند که همانا جهاد با نفس را جهاد اکبر و جهاد مسلحانه را جهاد اصغر نامیده‌اند، اما بحث زیبا در این مورد همین است که این دو نوع جهاد نیاز به توازن دارد یعنی اگر یکی از طرف‌های جهاد ضعیف شود طرف دیگر را نیز ضعیف میسازد. به صورت خلاصه با ارزش‌ترین جهاد که هم سبب سعادت بشریت و هم سبب عزت مسلمانان میگردد همان

1 قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَبْتَغُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (توبه 29). ترجمه با کسانی (از اهل کتاب) که نه به خدا، و نه به روز جزا (چنان که شاید و باید) ایمان دارند، و نه چیزی را که خدا (در قرآن) و فرستاده‌اش (در سنت خود) تحریم کرده‌اند حرام می‌دانند، و نه آئین حق را می‌پذیرند، پیکار و کارزار کنید تا زمانی که (اسلام را) گردن می‌نهند، و یا این که (خاضعانه به اندازه توانایی، جزیه را می‌پردازند (که يك نوع مالیات سرانه است و از اقلیت‌های مذهبی به خاطر معاف بودن از شرکت در جهاد، و تأمین امنیت جان و مال آنان گرفته می‌شود)

جهاد مسلحانه در برابر شرک و ظلم است که هیچ عملی دیگری مانند جهاد نمی تواند مدافع حقوق حقیقی و شایسته بشر در روی زمین باشد. (نویسنده)

برای مثال شما شهر بزرگی را تصور کنید که مردم آن در عزت و آرامش زندگی میکنند، منابع شان بیشمار و ذهن های شان آرام است، در این شهر مزرعه های است که ثمر و زیبایی آن سبب آرامش همه است، اما در نقاطی دور از این شهر گروهی با سرزمینی پر از جهل و وحشت زندگی میکنند. این گروه میخواهد برای گسترش سرزمین و بی حیایی خود مزرعه شما را در اختیار خود داشته و قانون تقسیم عواید و ثمر این مزرعه را به نفع و خواسته های خودشان بسازند، در همین حال در سمت دیگر شهر شما مردم های است که وحشت و جهل شان بیشتر از این گروه است ولی قصد گرفت سرزمین های شما را ندارند، اما با این گروه جاهل اولی ارتباط و برادری قوی دارند که به اساس تفاهم نامه ها رابطه خود را محکم کرده اند.

شما چی فکر میکنید مردم این شهر چی باید کرد؟

جواب: هر انسان عاقلی این را خواهد گفت که باید در مقابل گروه ظالم آماده دفاع و مبارزه بود و گروه جاهل و بدخواه را اصلاح نمود. دقیقاً جهاد همین گونه است، اگر امر جهاد در راه الله سبحانه و تعالی به صورت مستمر جریان نداشته باشد ظلم و اشغال سراسر زمین را در حدود خورد و بزرگ فرا میگیرد. این ظلم از پس کوچه ها شروع و تا پایتخت های هر سرزمین را فرا خواهد گرفت.

امروز همه مکاتب فکری جهان تلاش میکنند تا خودشان را تیکه داران امنیت و صلح در جامعه خود و جهان معرفی نمایند، اما در مقابل تصمیم عملی و آخری شان تجاوز نظامی و فرهنگی به حریم کشور های همسایه و نقاط دیگر از منطقه خودشان می انجامد، تا بتوانند خواسته های شخصی و باور های خود را اصل قرار بدهند و زمانی که توسط بشریت و اکثریت ملامت شوند به نام صلح و دفاع خودشان را بیگانه معرفی میکنند. همه تلاش های این مردم بیهوده است و جز تباهی و پایین آوردن کرامت انسانی چیزی نتیجه نخواهد داشت.

شما به اشغال گران بزرگ دنیا مانند آمریکا و متحدین اش ببینید، سالانه هزاران نفر را در سراسر دنیا از مردم هم باور خود و هزاران نفر را در کشور های دیگر با هزینه میلیون دلاری میکشند و سپس همجنس بازی و نظام بردگی اقتصادی را به کشور خود هدیه میدهند تا یک گروه غرق در تمایلات سرکشانه نفس و با قرض داری دایمی مانند حیوان به دولت خدمت نماید و در آخر فرسوده شده و زندانی به نام خانه سالمندان فرستاده شود.

به همین منظور است که فتح الله گولن از متاثرین افکار نورسی در کتاب جهاد میگوید "اگر جهاد در یک نظام وجود نداشته باشد سرنوشت آن نظام به فساد منجر میگردد و همچنان میگوید انسانی که این شعور را در ذهن خود نداشته باشد مرده است".

بناً جهاد رمز سعادت، امنیت، آبادی و بندگی به الله سبحانه و تعالی است. اگر ما روحیه جهاد را در جامعه ایجاد نماییم و عشق به شهادت اولین و بزرگترین آرزوی جوانان یک سرزمین باشد، آن سرزمین هرگز ذلت و بیچارگی را نخواهد دید. البته جهاد و عشق به شهادت به همان معنی اصلی و بزرگ آن که جهاد یعنی مبارزه با نفس خود و فساد مفسدین، برای رضایت الله متعال و عشق به شهادت به معنی دوری قطع

رابطه به حب دنیا و مبارزه برای آخرت، تا آخرین توان و آخرین خط سنگر کفر، دقیقاً که چنین جامعه و چنین افکاری میتواند آینده خودش را و دیگران را درخشان و امن بسازند.

سیاست فراموش شده اسلامی در برخورد با مسلمانان در جامعه

برای ادامه این بحث نیاز است مروری بر این بحث داشته باشیم که سیاست اسلامی در رابطه به برخورد و تصمیم گیری در مورد یک مسلمان و یا حرکت اسلامی چیست؟ دین مبین اسلام با تنظیم موارد اخلاقی خاص و بینظیر، یک جامعه را به انسان ها پیشنهاد میکند که بتوانند از همه بدبختی ها و دشمنی ها در امان باشند. ما به صورت خلاصه اصل های از اخلاق اسلامی مورد ضرورت برای یک جامعه مرتبط به موضوع را اشاره میکنیم و شما عقل های خود را به کار گرفته و سپس خود را قضاوت کنید که در چی وضعیت قرار دارید.

عدالت: عدالت کلمه مورد بحث در همه دنیا و مکاتب که در لغت فارسی به معنی انصاف گری، دادگری، هماهنگی و تعادل آمده است. متأسفانه عدالت که انگلیس ها به آن justice میگویند طی سال های اخیر به مفهوم برابری در میان مردم پخش گردید که دقیقاً یک مفهوم اشتباه بوده است و امروز جهان غرب نیز متوجه این موضوع شده اند. عدالت در اصطلاح به معنی ماندن هر چیز به جای مناسب اش میباشد، یعنی اینکه چی در کجا و چگونه مناسب است تا گذاشته و انجام شود. واضح است که بدون عدالت زندگی ناممکن است و انسان ها به فساد و نفرت از هم دیگر کشانده میشوند و عدالت بدون قانون و معیار ها معنی ندارد. مگر سوال اصلی همین است که قوانین و معیار ها را از کجا باید بدست آورد، از افکار مردم، از رای اکثریت، از پارلمان، از شورای بزرگان قوم، از سازمان ملل، از کجا؟ دقیقاً مشکل بشریت همین است که اکثریت نمی دانند قوانین برای زندگی انسان ها را فقط الله سبحانه و تعالی که خالق و مدبر تمام هستی و حیات انسان است صادر نموده و میتواند معیار ها را مشخص نماید. بنأ یکی از عناصر مهم و فراموش شده ما به نام عدالت که تنها در نظام اسلامی قابل اجرا است فراموش گردیده است که باید برای احیاء دوباره آن مخلصانه جهاد نمود.²

تقوا: تقوا در لغت فارسی به معنی پرهیزکاری و اطاعت از الله سبحانه و تعالی میباشد، همچنان تعبیر های مشهور دیگر مانند ترس از الله، خوف و دوری از گناه نیز دارد، البته تقوا ساحات و مفاهیم دیگری را نیز میرساند. تقوا به معنی عام کلمه لازمه زندگی هر فرد مسلمان است، که دقیقاً موفقیت و زندگی با سعادت و عزت وابسته به تقوا است. تقوا میتواند سرنوشت انسان را مشخص و فرد را به بهترین و رفیع ترین درجات در دنیا و آخرت برساند، این یعنی تقوا راه پیروزی و کامیابی همه است، چراکه الله سبحانه و تعالی بنده متقی را همیشه یاری نموده و او را به کامیابی میرساند.³

² يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْلَمُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مائده 8) ترجمه: ای مؤمنان! بر ادای واجبات خدا مواظبت داشته باشید و از روی دادگری گواهی دهید، و دشمنانگی قومی شما را بر آن ندارد که (با ایشان) دادگری نکنید. دادگری کنید که دادگری (بهیژه با دشمنان) به پرهیزگاری نزدیکتر (و کوتاهترین راه به تقوا و بهترین وسیله برای دوری از خشم خدا) است. از خدا بترسید که خدا آگاه از هر آن چیزی است که انجام می‌دهید.

³ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ (نحل 128) ترجمه: بی‌گمان خدا (مرحمت و معونت و حفاظت و رعایت همهجانبه‌اش) همراه کسانی است که تقوا پیشه کنند و (با دوری از نواهی، خود را از خشم خدا به دور دارند، و با تمام نیرو و قدرت) با کسانی است که نیکوکار باشند و (با انجام اوامر الهی خویشان را به الطاف ایزد نزدیک سازند)

درباره تقوا استاد شهید سیدقطب چنین میفرماید: تقوا، همان اثر پذیری وجدان، شفافیت احساس، پروای همیشگی و پرهیزکاری پیوسته و وسیله ی زدودن خارهای برسر راه است... راه زنده گی ... راهی که در آن خار امیال و خواسته ها، و خار آزمندی ها و آرزوها، و خار دغدغه ها و دل نگرانی ها، و خار امید واهی داشتن از کسی هست که توانایی برآوردن خواسته را ندارد؛ خار ترس دروغین از کسی که سود و زبانی در اختیار ندارد؛ و دهها نوع خار دیگر که این راه را در بر گرفته است.

اما بحث اصلی ما اینجاست که مردم متاسفانه این اصل را در دو دهه اخیر اکثراً فراموش کرده بوده و همواره در پی تکمیل کردن خواسته های آمریکایی بودن و این یکی از دلایل بزرگ تباهی ما بود. داشتن تقوا در جامعه که رسانه ها پر از فحشی، بازار ها پر از زن و دفتار پر از اختلاط باشد کار دشوار است. بناً برای همه لازم است تا اول در بالا بردن تقوا خود تلاش نمایند و در ادامه کوشش نمایند روحیه پرهیزکاری را در جامعه ایجاد نمایند تا همه فکر مردم رضای الله متعال بوده و مافوق رضای الله متعال هیچ چیزی دیگری برایش وجود نداشته باشد.

اصل اجتناب از گمان بد: گمان بد همان قضاوت اشتباه و منفی است که شما بدون دلایل و ثبوت در مورد یک انسان انجام می دهید. نظام اسلامی همه مسلمانان را از گمان بد در برابر برادر مسلمان اش منع کرده است. این یعنی در نظام اخلاق اسلامی هیچ کسی حق ندارد به اساس گمان خود در رابطه به یک فردی یا گروهی قضاوت خیالی داشته باشد. من در نقش یک دعوت گر تمامی تحلیل های سیاسی و فکری را تحت همین قاعده ارزیابی می کنم و برای هیچ یک از افراد خود اجازه تحلیل خیالی را نمی دهم، الی اینکه موضوع را با چشم خود دیده و با گوش های خود شنیده باشند، حتی اگر چنین هم شده بود مسلمان باز هم اجازه پخش خبر را ندارد و باید ستر نماید چراکه نمی داند شاید آن بنده توبه کرده باشد و شما در بدنامی او در جامعه نقش بگیرید. دقیقاً یکی از علایم منافقین همین است که به قصه پردازی در مورد دیگران میپردازند.⁴

اصل محبت و دوستی: در نظام اجتماعی اسلام همه مانند یک جسم واحد هستند، بناً همه بالای همه به اندازه توان و موقف خود مسوولیت دارد. همین جسم واحد بودن ایجاب میکند که همه یکدیگر خود را دوست داشته و در طلب نیکی ها برای برادر و خواهر مسلمان خود باشد. امروز جهانیان نیز به این حقیقت رسیده اند که یگانه راه ایجاد امنیت و آرامش در جامعه پخش محبت با همدیگر در جامعه است. بناً برای مسلمان زبینه نیست که از برادر مسلمان خود نفرت داشته باشد. به اندازه که در اخلاق اسلامی متوجه میشویم مسلمان با

مسلمان بیشتر از سه روز اجازه جنگی بودن را ندارد. بناً بر ما لازم است تا همدیگر را دوست داشته و این محبت نسبت به همدیگر را در جامعه پخش نماییم.⁵

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِتْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بََعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ (حجرات 12) ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، که برخی از گمانها گناه است، و جاسوسی و پرده دری نکنید، و یکی از دیگری غیبت ننمایید؛ آیا هیچک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ به یقین همه شما از مرده خواری بدتان می آید (و از آن بپزاید، غیبت نیز چنین است و از آن بپرهیزید و) از خدا پروا کنید، بی گمان خداوند بس توبه پذیر و مهربان است.

5 مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئُهُ فَانزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (فتح 29) ترجمه: محمد فرستاده خدا است، و کسانی که با او هستند در برابر کافران تند و سرسخت، و طیبسلبش

هدف ما از ذکر این دو اصل این بود که برای جوانان عزیز تذکری داشته باشیم تا دست از قضاوت های بیهوده و خیالی برداشته و در مقابل در تلاش ایجاد فضای امنیت، محبت، دوستی و عزت برای همدیگر باشند. متأسفانه یکی از فرهنگ های کثیف که توسط رسان های غیر اسلامی مروج شده است همین بحث های سیاسی در اخبار است که یک فرد را در برنامه مهمان و ساعت ها مردم را به پای سخنان خیالی او مصروف میسازند.

هدف اصلی من این است که شما هرگز در رابطه به شخصیت یک برادر و یا خواهر مسلمان خود به اساس تحلیل های خود یا دوستان تان قضاوت نکنید الی اینکه شما آن حقیقت را شخصا دیده و شنیده باشید، یا اینکه در برابر یک عمل کوچک خواهر و برادر مسلمان خود ده ها عملکرد دیگر اش را فراموش نکنید و همیشه در تلاش اصلاح و پیام رسانی عملکرد برادران و خواهران خود باشید.

موقف یک جوان مسلمان برای آینده افغانستان

یک جوان مسلمان در همه حالات باید محافظ ارزش های اسلامی و ملی خود باشد. جوان مسلمان در هیچ حالت و تحت هیچ شرایطی بالاتر از رضای الله سبحانه و تعالی چیزی را قرار نمی دهد. اما متأسفانه در دهه های اخیر تعدادی از جوانان رسیدن به دالر آمریکایی، قدرت، تجمل و این چنین چیزها هدف غایی شان قرار گرفته و از روز حساب (آخرت) اصلاً خبری در ذهن شان وجود نداشت، درحالی که رضایت الله سبحانه و تعالی اولین و بزرگترین هدف برای یک مسلمان/جوان مسلمان است.⁶

جوانی که خط اول زندگی او رضایت الله سبحانه و تعالی نباشد و عشق به شهادت و جهاد در راه الله متعال بخشی از زندگی او نباشد، این چنین جوانان برای آینده این سرزمین میوه مفیدی نخواهد بود. بناً لازمه زندگی همه جوانان است که بعد از این پیروزی بزرگ در برابر نظام کثیف آمریکایی دیگر آرزو ها و اهداف بلند و حقیقی باشند و همه در تلاش کسب رضای الله متعال شبانه روزی زحمت کشیده و در آبادی این سرزمین رنج دیده سهیم باشند. دیگر زمان خیالات و استایل گذشته و جهان به جوانان چون خالد بن ولید رض، مصعب بن عمیر رض، عاصم بن ثابت رض، سعد بن ابی وقاص رض، حسین رض، حسن رض، علی رض و دیگر نمونه های از شهامت و شجاعت زندگی نمایند، سبک و روش زندگی شان مردانه وار و با عزت باشد که حضور شان در قلب های مومنین ثبات و امنیت و در قلب های کفار ترس ایجاد نماید، قلم ها و زبان شان چشم و برنامه دشمن را بسوزاند و اعمال شان مانند نور روشنی دهنده این سرزمین باشد.⁷

نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند. ایشان را در حال رکوع و سجود می بینیم. آنان همواره فضل خدای را می جویند و رضای او را می طلبند. نشانه ایشان بر اثر سجده در پیشانیهایشان نمایان است. این، توصیف آنان در تورات است، و اما توصیف ایشان در انجیل چنین است که همانند کشتزاری هستند که جوانه های (خوشه های) خود را بیرون زده، و آنها را نیرو داده و سخت نموده و بر ساقه های خویش راست ایستاده باشد، بگونه ای که برزگران را به شگفت می آورد. (مؤمنان نیز همین گونه اند. آنی از حرکت باز نمی ایستند، و همواره جوانه می زنند، و جوانه ها پرورش می یابند و بارور می شوند، و باغبانان بشریت را به شگفت می آورند. این پیشرفت و قوت و قدرت را خدا نصیب مؤمنان می کند) تا کافران را به سبب آنان خشمگین کند. خداوند به کسانی از ایشان که ایمان بیاورند و کارهای شایسته بکنند آمرزش و پاداش بزرگی را وعده می دهد

⁶ قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام 162) ترجمه: بگو: نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن خدا است که پروردگار جهانیان است (و این است که تنها خدا را پرستش می کنم و کارهای این جهان خود را در مسیر رضایت او می اندازم و بر بذل مال و جان در راه یزدان می کوشم و در این راه می میرم، تا حیاتم ذخیره ممانت شود).

⁷ جهت معلومات بیشتر و دریافت الگوی زندگی مراجعه شود به کتاب (مردان تاثیر گذار تاریخ مولف محمد فهیم ناصری استاد دانشگاه) و کتاب (مشاهیر صحابه مولف محمد عظیم حسین بر)

پس در مرحله بعدی برای چنین شرایطی بر یک جوان مسلمان لازم است تا در قدم نخست یک فرد هدفمند و با برنامه برای خود باشد. تمامی زندگی یک جوان از اول صبح الی زمان خواب شب و از همین لحظه تا حد اقل پنجاه سال زندگی خود را برنامه ریزی کرده باشد. در امور روزمره خود به عبادات، تدبیر در قرآن، یادگیری و خیر رسانی به مردم همیشه وقت فعال باشد و این فعال بودن همواره با رشد مالی و علمی جوان هماهنگ و موازی باشد.

مگر هدف ما از موقف یک جوان برای آینده افغانستان یعنی اینکه همه جوانان باید برای سال های پیشرو افغانستان برنامه داشته باشند و همه سخنان منفی و پوچ را از ذهن دور ساخته و دیگران را نیز اجازه ندهند تا به ذهن جوانان سخنان منفی و بیهوده را نزدیک بسازد. جوانان باید در قسمت صنعت و علوم تلاش زیادی را به خرج بدهند و از این طریق افغانستان را آباد نمایند. جوانان ما باید در قید ثانیه ها زمان بندی نموده و برای رسیدن به اهداف شان کار نمایند. اما اگر جوانان ما وقت گرانیهای خود را خرج گپ های خیالی سیاسی و استخباراتی که اصلاً سودی ندارد میکنند با این کار شان خود و جامعه را به تباهی میکشند.

داشتن تخصص و مهارت های فراوان مطابق به نیاز های جامعه باید در اولویت کارشان قرار داشته باشد. داشتن بدن و فکر سالم که بتواند سبب رشد همه جانبه جوان برای رسیدن به اهداف او باشد در کنار روابط اجتماعی نیک، مبارزه برای دعوت هموطنان خود، صبر در برابر سختی ها و روحیه جهاد باید یک اصل مهم در زندگی جوان ما باشد، در غیر این نمی توان افغانستان را ساخت.⁸

روحیه های که باید حاکم گردد

افغانستان را در چهل سال اخیر مطالعه کنید ما اصلاً یک روحیه ملی نداشته ایم و همیشه مردم در مناطق مختلف افغانستان برای خود و کشور طرز فکر خاصی داشته اند. همین خالی گاه بزرگ سبب شده است که اکثریت دوره ها با جنگ سپری گردد، مردم نسبت به وطن محبت حقیقی نداشته باشند، اشغال به آسانی وارد افکار و سرک های ما گردد، اتحاد مردم بشکند و یک سره به نقد همدیگر پردازیم.⁹

شما به نزد هر روانشناس و داکتر یا عالم که بروید و بپرسید روحیه ها و افکار من چقدر در زندگی من نقش دارد همه برای شما یک پاسخ را خواهد داد که تمام زندگی از ناکامی ها تا کامیابی خودت وابسته به افکار توست، این هم فرقی نمی کند که شما از یک کافر این سوال را میپرسید یا از یک مسلمان. بناً لازم است تا به روحیه های ملی و افکار خود کار کنیم، من به صورت خلاصه چند نمونه از روحیه های که به سطح ملی باید ایجاد شود را تذکر میدهم.

⁸ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَخَلِيْلٌ أَوَّلُهُ مُنِيبٌ (هود 75) ترجمه: واقعا ابراهیم بسی بردبار و آموخته و توبه‌کار بود

⁹ در چند دهه اخیر مردم افغانستان از قوم و زبان گرایی حتی به قبیله گرایی نیز پرداخته بودند ما در وزارت عدلیه بیشتر از هزاران حزب سیاسی و قومی ثبت داشتیم. مراجعه شود به دیتابیس های وزارت عدلیه و دوره های انتخابات در صفحات مجازی

خودسازی (عمل برای ایجاد تغییر مثبت): متأسفانه در چند دهه اخیر توسط حکومت های اشغالگر و منافقین دور و بر شان این روحیه در مردم ایجاد شده است که باید دیگران برای ما غذا، کار، امکانات و خدمات را فراهم نمایند. در زمان شوری سابق نظام کمونیسم این روحیه را در بین مردم ایجاد نمود و در زمان سکولاریسم آمریکا این روحیه را ایجاد نمود، تا اینکه اگر یک نفر سه یا چهار سال هم نمی توانست وظیفه خوبی پیدا کند بیکار در خانه می نشست اما هرگز به کار آزاد شروع نمی کرد، یا در قسمت نظافت مردم شهر همیشه منتظر خدمات شهرداری هستن و در آبادی و خو اصلاً این دو پدیده را وظیفه بیگانه گان میدانند، حتی این مشکل به حد جدی شده بود که یک تعداد بیگانه گان را خدا خود قبول کرده و میگویند در نبود آمریکا هیچی نیست.

اما تنها روحیه که میتواند یک جامعه را بسازد و سبب تمدن سازی در یک کشور گردد روحیه تغییر در خود و آبادی با دست خود است. یعنی تمام مردم به صورت ملی باید این روحیه را داشته باشند که تنها خودما میتوانیم برای خود کاری نماییم و تنها این خودما هستیم که میتوانیم کشور خود را آباد و با تمدن بسازیم، هیچ بیگانه برای رفاه من خرسند نمی شود و هیچ ملحدی برای خوشحالی من کار نمی کند. هر فرد به صورت فردی و گروهی باید خودشان را مسوول آبادی و بازسازی در این کشور بدانند نه اینکه در انتظار دشمن باشند. این از روحیه های حیاتی برای یک ملت خصوصاً برای مردم افغانستان است.¹⁰

اخوت (برادری): در کنار روحیه خود سازی شما نیاز دارید تا روحیه برادری را نیز برای خود و دیگران ایجاد کنید، تا اینکه افراد جامعه همدیگر خود را برادر ندانند روحیه خودسازی نیز چندان نتیجه نخواهد داد. زمانی که روحیه برادری در جامعه ایجاد میگردد دیگر کسی به فکر ضرر رساندن به برادر خود نیست، کسی در فکر بی عزتی برادر خود نیست، کسی به فکر صدمه رساندن به برادر خود نیست و همه میخواهند که برادران شان در رفاه و عزت زندگی کنند، در کنار این روحیه برادری سبب اولویت دادن بهترین ها برای افراد مقابل ما میشود، این یعنی ما دیگر به فکر بالارفتن از برادر خود مگر در میدان ایثار و فداکاری نیستیم. من حاضر هستم قسم بخورم که به والله اگر ما روحیه برادری را در جامعه تقویت بخشیده باشیم و میدان رقابت فقط در ایثار و فداکاری برای رضایت الله سبحانه و تعالی باشد، چنین جامعه نه تنها خودشان بلکه زمین را به رفاه و عزت میرسانند. پس برای همه ما نیاز است تا در قسمت ایجاد این روحیه با همدیگر دست به دست شده و جانانه مبارزه نماییم.¹¹

¹⁰ لَهُ مُعَقِّبٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُعْذِرُوا مَا بِنَفْسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ (رعد 11) ترجمه: انسان دارای فرشتگانی است که به (نوبت عوض می شوند و) پیاپی از روبرو و از پشت سر (و از همه جوانب دیگر، او را می پابند و) به فرمان خدا از او مراقبت می نمایند. خداوند حال و وضع هیچ گروهی را تغییر نمی دهد (و ایشان را از بدبختی به خوشبختی، از نادانی به دانایی، از ذلت به عزت، از نوکری به سروری، و... و بالعکس نمی کشاند) مگر این که آنان احوال خود را تغییر دهند، و (این سنت جاری در اسباب و مسببات ظاهری است، ولی) هنگامی که خدا بخواهد بلایی به قومی برساند هیچ کس و هیچ چیزی نمی تواند آن را (از ایشان) برگرداند، و هیچ کس غیر خدا نمی تواند یاور و مددکار آنان شود.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاهُ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات 13) ترجمه: ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی (به نام آدم و حواء) آفریده ایم، و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده ایم تا همدیگر را بشناسید (و هرکسی با تفاوت و ویژگی خاص درونی و بیرونی از دیگری مشخص شود، و در پیکره جامعه انسانی نقشی جداگانه داشته باشد). بی گمان گرامی تری شما در نزد خدا متقی ترین شما است. خداوند مسلماً آگاه و باخبر (از پندار و کردار و گفتار شما، و از حال همکس و همه چیز) است

تفکر: تفکر در اسلام از جایگاه خاصی برخوردار است به اندازه که لحظه تفکر با سالها عبادت برابر دانسته شده است. الله سبحانه و تعالی انسان را در موقف های مختلف برای دانستن حق به تفکر در قرآن عظیم الشان و جهان دعوت نموده است. انسان با تفکر میتواند که حتی به پروردگار خود برسد و از کفر و شرک نجات یابد. گفته روزی یک مشرک در دوران جهالت عرب صبح وقت از خانه بیرون شده و میخواست نزد بت خود برود، هنگامی که نزدیک بت رسید متوجه شد که حیوانی بر بت او پیشاب نموده است، عصبانی شده و بعد از اندیشه با خود گفت: خدای که نتواند در مقابل پیشاب یک حیوان خود را نجات بدهد چگونه میتواند من را نجات بدهد، بت را شکسته و از شکر نجات یافت. دقیقاً همین گونه است انسان در طول زندگی خود در روی زمین با همین تفکر و اندیشه خود توانسته است زمین را آباد نماید و به موفقیت های زیادی برسد. پس معلوم میشود که تفکر در دین مبین اسلام از ارزش و جایگاه خاصی برخوردار است. البته تفکر هم باید بنیاد و آدرس خود را داشته باشد نه اینکه شخص به اساس خیالات خود شروع به اندیشیدن کرده و خود را به تباهی بکشانند.¹²

به همین منظور ما تحت این عنوان به بعضی از مواردی میپردازیم که در دوه گذشته آمریکا در افغانستان انجام میداد، لازم است شما به این موارد دقت کنید و سپس میدانید که برای افغانستان چی لازم بود و موقف های افراد بیانگر چی چیزی است. افرادی که امروز شکست آمریکا را قبول ندارند در حقیقت اینها حق و پیروزی دین اسلام در برابر کفر باور ندارند و کسانی که امروز به منفی بازی ها میپردازند در حقیقت منتظر برگشت روز های گذشته بوده و لذت بردن از آزادی های بی قید و شرط هستند. در این میان موقف منتقدین مخلص جدا است و دقیقاً که منتقدین مانند خون در بدن برای یک سرزمین مهم هستند، اما این منتقدین از کدام آدرس، چگونه و چرا انتقاد میکنند این قابل بحث است. ما در این بخش کاملاً بی طرفانه شما را به تفکر روی موضوعات ذیل دعوت مینماییم، تا خود از خود بپرسید که واقعاً چی کاری صورت گرفت و چی کاری باید صورت بگیرد، اگر ما واقعاً در نقش یک مسلمان بخواهیم مسوولیت خود را اداء نموده و برای سرزمین خود مفید باشیم پس نباید گذاشت تا چنین مواردی تکرار گردد. بدون شک که انسان های خود پسند که همواره در پی منفعت و خواسته های نفس خود اند با آزادی های مختلف و اشغال راحت تر اند و برای چنین افرادی قناعت دادن کار دشواری است، مگر شما شاهد نبودین که چه گذشت؟.

نظام لیبرال سکولاریسم: در دو دهه گذشته تمامی نظام به اساس قوانین لیبرال سکولاریسم تنظیم شده بود، این یعنی پول و قدرت اولویت داشت و دین فقط در حلقه های مساجد تطبیق میشد مگر رسانه ها، فرامین ، دولت، مدیریت و رهبری همه چیز به اساس خواسته های همین نظام آمریکایی پیش میرفت و چیزی از دین نبود. پارلمان و مجلس سنا دو مرکز فساد و تباهی در کشور بودند که بوی بد شان تمام مملکت را فراگرفته بود.

12 أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفَرِّانَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا (محمد 24) آیا درباره قرآن نمی اندیشند (و مطالب و نکات آن را بررسی و واریسی نمی کنند؟) یا این که بر دلهای قفلهای و پژه آنها زده اند؟ - أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ لَكُفْرُونَ (روم 8) آیا با خود نمی اندیشند که خداوند آسمانها و زمین و چیزهایی را که در میان آن دو است، جز به حق و برای مدت زمانی نیافریده است؟ (بلی! آفرینش کائنات برای حکمت عالیّه است و پایان مشخصی دارد، و هرکس آن درود عاقبت کار که کشت). بسیاری از مردم به ملاقات با خدا (در روز قیامت، برای حساب و کتاب و جزا و جزا) باور ندارند. - فَلَنِ إِنَّمَا أَعْطٰكُمْ بِوَعْدِهِ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِيَارٍ وَقَدْ يُدْرِكُ الْبَاطِلَ مَا يَصَاحِبُكُمْ مِنْ حُنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (سبا 46) ترجمه: بگو: من شما را تنها يك نصیحت می کنم، و آن این است که: خالصانه برای خدا، دو نفر دو نفر، و یا يك نفر يك نفر، برخیزید (و اندیشه های خفته را زنده کنید). سپس (درباره محمد که سالها با او به سربرده اند فکر خود را به کار گیرید و) بیندیشید (تا پاکی و امانتداری و سلامت جسمانی و روحانی او، در خاطره ها مجسم شود... این) همدم و همنشین (دیرینه) شما، جز زده و دیوانه نیست. بلکه او بیمدهنده شما از عذاب سختی است که در پیش است

حاکمان تحت امر:

این حقیقت مانند آفتاب روشن است که از اولین روز جمهوریت در افغانستان الی فرار غنی خائن تمامی مسوولین کلیدی دولت را خود اشغال تعیین میکرد. کسانی که در پارلمان و ریاست جمهوری دست بالا داشتند خوب میدانند. متأسفانه در چند دهه اخیر همه این کار سبب فساد گسترده و تباهی سرزمین ما شدند.

رفتار سازمانی غیر اخلاقی و انسانی:

اختلاط، بیهودگویی، فساد اخلاقی و فساد اداری تمامی سازمان ها را فراگرفته بود. شما بهتر میدانید که در هیچ اداره بدون شناخت و روابط شما نمی توانستید کار های خود را پیش ببرید، پول شما میتوانست نوبت شما را از شماره صد به یک تبدیل کند بی سوادى شما را به ماستری تبدیل کند و جرم شما را به ملایى تبدیل کند. توهین و بی احترامی به زن ها در ادارت و جاده ها از حد گذشته و چیزی به نام امنیت سازمانی وجود نداشت.

آزادی در فساد و فحاشی مگر قیودات در نیکی:

این مورد از جمه مواردی است که کفر یک نظام را ثابت ساخته و قیام علیه نظام را واجب میسازد، شما از تایمی کابل الی اخیر شهرنو چندین رستوران را برای عشق بازی با معشوقه نامشروع خود پیدا میتوانستید، قیلون خانه ها بیشترین عواید را داشته و حتی رستوران های شهر موسیقی زنده با گارسون (مهمان دار) از جنس دختران مو طلایی نوجوان برای پذیرایی از شما را آماده ساخته بود. رسانه ها خو به صورت آشکار و دایمی منبع تولید و پخش لچکی و بی حیایی در جامعه بودن مگر برنامه های موسیقی که دختران فاحشه گرداننه آن بودن را فراموش کردین؟. این چنین موارد قصه های زیادی دارد این کشور اما در مقابل شما حق نداشتین یک کلمه هم در باره حق و جامعه و انسان و انسانیت داشته باشید، مسجد و حلقات درس ممنوع بود و کشتن جوانان مبارزو دلسوز وطن بخشی از کار دولت بود. شما حق نیکی و خدمت به کشور حتی انسانیت را نداشتین اما آزادانه میتوانستید که با یک فاحشه به یک رستوران دلخواه خود بروید. دیگر چی دلیلی نیازد دارید؟

لیلام سرمایه های ملی:

افغانستان در نقش یک کشور غنی از منابع طبیعی سالها است که در دست دزدان داخلی و خارجی قرار دارد، معادن زمرد پنجشیر، مس عینک لوگر، لیتیوم و یورانیم هلمند برای مدت های توسط آمریکا بدون هیچ نظارت و صلاحیتی از طرف مقام دومی دزدی گردید. تا جای که آمریکا و روسیه در دوران قدرت خود توانستند بردند و باقی مانده را مردم چور میکردند، هنوز این رساله ظرفیت قصه های از دزدی های میلیارد دالری طلاء و لاجورد بدخشان را ندارد. نه تنها این که سرمایه های انسانی (جوانان بلند قامت ما) تبدیل به سپر جنگ آمریکایی ها و نوکران یهود شده بودن و شب و روز در خدمت کفار بودن و یا اینکه حیف شده و جسد های شان در دشت ها خوراک حیوانات میشد. استعداد های کشور به کشور های دیگر انتقال و قسم خدمت به اروپا را میخورد باقی مانده با علوم بیهوده مانند رشته حقوق و علوم سیاسی غربی مصروف تحصیلات بی فایده میشدند. آیا میخواهید از این حقیقت دوری کنید.

حفظ عقب مانی ها:

درحالی که بحث از حکومت مردمی و انکشافی بود اما تا اکنون هم مردم در قریه ها و ولسوالی های دور آشنایی کامل با مسایل ابتدایی نظافت و زندگی ندارند، اثری از مکتب، جاده، آب، شفاخانه و متخصص نیست. یا شاید قابل این چیز خیلی دور باشد کافیسست شما به اندازه 10 کیلومتری ارگ ریاست جمهوری بروید شما یک مکتب و محل زندگی حسابی درک ندارید، اشغال این همه کار را برنامه ریزی شده برای حفظ چهل در افغانستان انجام داده است. در کنار این ساخت و ساز بی رویه و غصب جایداد های دولتی و خصوصی را امور بود که در عقب مانی و عدم استفاده موثر از زمین های دولتی نقش مهمی داشت.

کمیته قانون اساسی:

تظنیم امور اساسی قانون اساسی افغانستان در سفارت آمریکا توسط مستشرقین یهودی صورت میگرفت و بقیه قوانین توشیح شده از طرف دولت به اساس همین قوانین ساخته میشد. پس از چنین قوانینی شما چه انتظار دارید.

کمیته ترور علماء:

ریاست 40 امنیت ملی دولت جمهوری به رهبری امرالله و افراد غنی مسوولیت اساسی شان قتل علماء و مجاهدین بود، بر علاوه از اینکه همه روزه دعوتگران و افراد مفید جامعه در این ریاست ها شکنجه و شهید میشدن، همچنان کمیته جداگانه جهت ترور علماء توسط خود ریاست جمهوری مدیریت میشد. این قضیه را افراد همین بخش و کسانی که تحت شکنجه بوده اند بهتر میدانند.

وحدت فرمان از غیرالله:

یکی از ارکان مدیریت به هر سطحی که باشد وحدت فرمان است که در نظام اسلامی فرمان فقط از طرف الله متعال بوده و به واسطه حاکم مسلمان جاری میگردد، اما در نظام جمهوری همه فرمان ها از سوی غرب و به مشوره مستشرقین صورت میگرفت. مگر شما مشاورین خارجی و ريسان خارجی را نمی دیدین؟

ترویج انواع تعصبات:

از بزرگترین فعالیت های کثیف کارانه که اشغال در افغانستان در حال عملی کردن بود این بود که همه امور دولت و ملت به اساس زبان، قوم و مذهب تقسیم شده بود. از مراکز فساد (پارلمان) که اصل ورود به قدرت کثرت گرایی قومی بود، شورا ها قومی بود، انتخابات قومی بود. برای واقع گرایی بیشتر شما به شهر کابل دقت کنید ساحه دشت برچی و اطراف آن مکمل در اختیار قوم هزاره و مذهب شیعه بود، ساحه خیرخانه و اطراف آن در دست مردم سمت شمال و ساحه پلچرخ و اطراف آن برای قوم پشتون اختصاص داده شده بود. این تقسیمات ساحوی به اندازه جدی بود که در چندین کیلومتر ارزان قیمت یکتا فارسی زبان و در چندین کیلومتر خیرخانه یکتا پشتو زبان پیدا نمی شد الی استثناء و تغییرات که بعدا به سبب روشن فکری بعضی ها به وجود آمد.

پس اکنون چی

اکنون همه موارد ذکر شده از بین رفته است، اما باز هم یک سلسه مشکلات مانند بسته ماندن مکاتب و تحصیلات دختران یک چالش بسیار بزرگ است، در کنار این عدم داشتن کدر کافی برای مملکت، دوری از فناوری های روز و صنعت برای ما چالش های است که ان شاء الله حل خواهد شد.

سخن آخر

ان الله طيب لا يقبل الا طيبه !

الله سبحانه و تعالی پاک است و جز پاک دیگر چیز را قبول نمی کند.